خاورمیانه

رویدادهای مهم تاریخی

ازسقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

اگر از من بپرسند که مهمترین مملکت جهان کدام است، من می گویم: مصر

ناپلئون بناپارت

گروه پژوهشهای تاریخی
زیرنظر: محسن میرزایی

۴۵

مصر درجنگ جهانی دوم

حسن البناء
رهبر جمعیت
اخوان المسلمین

در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم موقعیت دولت انگلستان در خاورمیانه از سوی آلمان نازی و ایتالیای فاشیست مورد تهدید قرار گرفته بود و چون وقوع جنگ جهانی دوم پیش بینی می شد دولت انگلستان به هیچ وجه حاضر نبود که در گیرودار جنگ، گرفتار مشکلات داخلی مصر باشد. در این هنگام دولت مصر بر سر دو راهی قرار گرفته بود. از یک سو مصلحت آن کشور در این بود که برای کسب استقلال خویش با دولت انگلستان از در دوستی درآید و به دولت آلمان نازی و ایتالیای فاشیست نزدیک نشود. از سوی دیگر معلوم نبود اگر جنگی پیش آید و هیتلر و موسولینی برنده جنگ باشند تکلیف مصر چه خواهد شد.

به هر حال آلمان و ایتالیا در دو سال پیش از جنگ جهانی در قاهره فعالیت زیادی داشتند و این شهر آوردگاه پنهان جاسوسان دولتهای رقیب بود.

در سالهای ۱۹۳۹ - ۱۹۳۸ تعداد زیادی از افسران عالیرتبه و رجال سیاسی آلمان و رؤسای حزب نازی مانند «دکتر گوبلز»، وزیر تبلیغات آلمان نازی، به قاهره آمدند و در همین ایام دولت ایتالیا که بیش از ۶۰ هزار نفر از اتباعش در مصر زندگی می کردند و در تجارت و بانکداری صاحب نفوذ بودند برای جلب رجال مصر پول های زیادی خرج می کردند و فرستنده های رادیویی آلمان و ایتالیا هم برنامه های تبلیغاتی زیادی به زبان عربی پخش می کردند که از هر جهت مطابق میل و سلیقه اعراب بود. کوتاه سخن اینکه در سالهای ۱۹۳۹ - ۱۹۳۸ تعداد زیادی از واحدهای نظامی دولت انگلستان و متحدان او در مصر مستقر شدند و با حضور چنین نیروی بزرگی در مصر مخالفت با انگلستان کار آسانی نبود.

دکتر گوبلز وزیر تبلیغات آلمان نازی

تحمیل سانسور و حکومت نظامی

در ماه سپتامبر ۱۹۳۹ مقامات دولت انگلستان به دولت مصر مؤکداً توصیه کردند که حکومت نظامی اعلام گردد و در سراسر کشور سانسور برقرار شود و نیز از دولت مصر خواسته شد ارتباط سیاسی خود را با دولت آلمان نازی قطع کرده، اتباع آلمانی مقیم مصر را به تشخیص دولت انگلستان دستگیر یا تبعید نماید.

با این مقدمات پیش از آنکه شعله های خانمان سوز جنگ جهانی دوم زبانه کشد مصر یکی از مهم ترین پایگاه های نظامی خاورمیانه شد و بیش از نیم میلیون سرباز از ملل مختلف انگلیسی - هندی - استرالیایی - نیوزیلندی - آفریقای جنوبی - لهستانی - چک اسلواکی - یونانی - یوگسلاوی و آمریکایی در آن کشور مستقر گردند.

آغاز جنگ جهانی و سقوط کابینه ماهر پاشا

هنگام شروع جنگ جهانی دوم علی ماهر پاشا نخست وزیر مصر بود. ماهر پاشا از منشعبین حزب وفد (سعدیون) بود. واز حزب آزادیخواه مشروطیت حمایت می نمود. او در آغاز کار با انگلیسی ها مدارا می کرد اما پیشرفت های شگفت انگیز آلمان نازی در جبهه های جنگ و سقوط سریع لهستان و فرانسه و عقب نشینی خفت بار ۱۹۴۰ - ۱۹۳۹ انگلستان از خاک فرانسه (واقعه دنکرک) در رجال مصر بیدار کننده این تفکر شد که انگلستان در حال شکست به چه درد مصر می خورد.

در ضمن ایتالیای فاشیست هم که متحد آلمان نازی بود با تمام قدرت مشغول الغای این نظر بود که موسولینی به خاک مصر هیچ نظر خصمانه ای ندارد و اگر هم روزی با انگلستان وارد جنگ شود با مصر کاری نخواهد داشت.

شروع جنگ و تهاجم نظامی ایتالیا به خاک مصر

با شروع جنگ جهانی دوم نخستین اقدام ارتش ایتالیا ورود به خاک مصر بود موسولینی به دنبال این تجاوز آشکار اعلام کرد که ایتالیا با مصر کاری ندارد و هدف از حضور نظامی در مصر مقابله با انگلیسی هاست.

موسولینی رهبر ایتالیای فاشیست

رفتار دولت مصر در آغاز جنگ بسیار سنجیده و حساب شده بود. از این قرار که دولت مصر بعداز ورود ارتش ایتالیا به خاک آن کشور به دولت ایتالیا اعلان جنگ نداد و حتی زمانی که فیلد مارشال رومل در ماه آوریل ۱۹۴۱ از مرز مصر گذشت مصر از اعلان جنگ به آلمان خودداری کرد اما انگلستان خویشتنداری مصر را نمی پسندید و اصرار داشت که آن کشور حالت جنگ با نیروهای محور (آلمان نازی و متحدان او) را اعلام کند. در ژوئن ۱۹۴۰ ایتالیا به دولت انگلستان اعلان جنگ داد. دولت انگلستان به علی ماهر پاشا نخست وزیر مصر تکلیف کرد که به ایتالیا اعلان جنگ بدهد اما ماهر پاشا تمکین نکرد و آن دولت ملک فاروق را وادار نمود که ماهر پاشا را عزل کند و چون نخست وزیر معزول بعد از بر کنارشدن نیز فعالیت های ضد انگلیسی خود را ادامه داد، به دستور انگلستان توقیف شد و در خانه خود تحت نظر قرار گرفت.

در گزارشهای پیشین نوشتیم، دولت بریتانیای کبیر سالها پیش از آنکه جنگ جهانی دوم آغاز شود وقوع این فاجعه جهانی را پیش بینی کرده بود و برای آنکه در گیر و دار جنگ درگیر مشکلات داخلی نباشد در تعدیل سیاست استعماری خود انعطاف بیشتری نشان می داد و بدین ترتیب روزنه امیدی پدید آمد که در پایان جنگ، دولت انگلستان مطالبات آزادیخواهانه مردم مصر را در کسب استقلال کامل جدی تلقی کند.

دولت انگلستان براساس همین سیاست با «حزب وفد» کنار آمد تا آنجا که در کشمکش ملک فاروق پادشاه نوجوان مصر با آن حزب، از نحاس پاشا رهبر حزب وفد جانبداری کرد و تانک های ارتش انگلیس در چهارم فوریه ۱۹۴۲ کاخ عابدین را محاصره کردند و سفیر کبیر بریتانیا به اتفاق فرمانده کل نیروهای انگلستان در مصر به ملاقات فاروق رفتند و شاه جوان را تهدید کردند که اگر با تشکیل کابینه به ریاست نحاس پاشا موافقت نکند از مصر تبعید خواهد شد و فاروق با چشمان اشک آلود فرمان نخست وزیری نحاس پاشا را امضا کرد.

کابینه حزب وفد نیز متقابلاً در سر کوب ستون پنجم آلمان نازی و «آلمانوفیل های» مصر با دولت انگلستان همکاری نمود به طوری که «علی ماهر پاشا» که از رجال معتبر مصر بود و گرایش «آلمانوفیلی» داشت به خواست انگلستان و به دستور نحاس پاشا دستگیر و زندانی شد.

با پیروزی متفقین دوران آشتی کنان حزب وفد وانگلستان نیز به پایان رسیدو فاروق با استفاده از موقعیت، کابینه نحاس پاشا را بر کنار کرد و «ماهر پاشا» مأمور تشکیل کابینه شد.

ناگفته نماند که دولت مصر با وجود تجاوز نظامی آلمان نازی به خاک مصر تا آن زمان از اعلان جنگ به آلمان نازی خودداری کرده بود لیکن در این هنگام به منظور پذیرفته شدن در سازمان ملل متحد که در شرف تأسیس بود به دولت آلمان نازی و متحدین او اعلان جنگ داد.

در پایان جنگ جهانی دوم سیاست مصر وارد مرحله جدیدی گردید. در این دوره حوادث خشونت آمیز و ترور شخصیتهای سیاسی مقدمه ابراز تمایلات افراطی گردید.

در مصر از جمله اختلافاتی که در آثار و نتایج دو جنگ در مقایسه با یکدیگر حاصل شد این بود که در پایان جنگ جهانی اول «حزب وفد» به رهبری «سعدزغلول پاشا» زبان ملت محسوب می شد در حالی که در پایان جنگ جهانی دوم دستجات افراطی چپ و راست، سخنگوی مردم شدند.

بعد از جنگ، کمونیستها و احزاب چپ که در پرتو پیروزیهای اتحاد جماهیر شوروی ونبرد حماسی استالینگراد وفتح برلین جانی گرفته و حیثیتی پیدا کرده بودند میدانداز سیاست شدند و جمع کثیری از جوانان و دانشجویان مصری به مردم آنها گرویدند. احزاب کمونیست مصر اگر چه غیرقانونی بود لیکن با بهره گیری از کمکهای مالی یک ناشر یهودی مصری به نام (هانری کوریل) در مسائل جوانان بویژه در مجامع کارگری صاحب نفوذ شده بود و با آنکه عده اعضای آن از ۵۰۰ هزار نفر بیشتر نبود لیکن تأثیر گذاری آنها در سیاست مصر فراتر از این تناسب بود.

در این موقع حزب دست راستی با نفوذ مصر «اخوان المسلمین» بود. این حزب به وسیله شخصی به نام «حسن البناء» در سال ۱۹۲۹م (۱۳۰۸ هجری شمسی) تأسیس شد. «اخوان المسلمین» با تمایلات اسلامی و ضدغربی در دوران جنگ جهانی شهرت فراوانی به دست آورد و نفوذ آن از مرزهای مصر گذشت و در کشورهای عربی خاورمیانه پیروزیهای زیادی پیدا کرد.

نفوذ «اخوان المسلمین» در آغاز تأسیس، محدود به طبقات محروم اجتماع بود لیکن به زودی در میان رجال وروشنفکران کشورهای عربی هواداران زیادی به دست آورد.

از آنجا که دولت انگلستان بعد از جنگ جهانی نیازی به همکاری «حزب وفد» نداشت و ملک فاروق این نکته را به خوبی دریافته بود کابینه «حزب وفد» به نخست وزیری «نحاس پاشا» استعفا کرد و «حزب سعدیون» مأمور تشکیل کابینه شد و این حزب در طول سالهای ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۹ (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷ هجری شمسی) زمامدار مصر بود.

مشکلات کابینه جدید

کابینه بعد از جنگ مصر با مشکلات زیادی دست به گریبان شد. از یک سو دائماً با «حزب وفد» درگیر بود و از سوی دیگر تظاهرات ضددولتی واعتصاب ها وهیجانات ناشی از حوادث فلسطین امان نمی داد و مشکل بزرگتر عدم حمایت مردم بود که موجب گسترش هرج و مرج کشور می شد.

بدین ترتیب با آنکه مصر از خرابی های جنگ مصون مانده بود و با وجود اینکه ذخیره لیره استرلینگ مصر روز به روز بیشتر می شد اوضاع و احوال کشور ناآرام و آشفته بود. در این هنگام کابینه مصر برای استقرار نظم با کمونیستها و مخالفان دولت به سختی برخورد کرد. کمونیست ها نیز متقابلاً با برپایی اعتصابات پیاپی زمینه درگیری های بیشتری را فراهم ساختند. بر اثر این حوادث نیروهای ارتش و پلیس وارد دانشگاه شدند و با دستگیر کردن فعالان حزب کمونیست و مخالفان دولت دامنه بحران گسترده تر شد.

غیرقانونی شدن «اخوان المسلمین»

در این هنگام که دولت مصر با احزاب چپ و کمونیست ها مصمامنه برخورد می کرد اما در مبارزه با جمعیت «اخوان المسلمین» دچار تردید بود.

مقامات دولتی می خواستند با این جماعت مدارا و مصالحه کنند اما «اخوان المسلمین» حاضر به مصالحه نبود و این امر موجب تیرگی روابط دولت و «اخوان المسلمین» گردید و در این گیر و دار تظاهراتی از سوی این جماعت برپا شد.

تاانیکه رئیس پلیس قاهره توسط یکی از دانشجویان که عضو جمعیت اخوان المسلمین بود کشته شد.

دولت نیز دست از مدارا و مصالحه برداشت و چهار روز بعد از وقوع این حادثه حزب «اخوان المسلمین» را غیرقانونی اعلام نمود.

پیامد این ماجرا، ترور «نقراشی پاشا» به وسیله یکی از اعضای اخوان المسلمین بود و با این واقعه کار خشونت بالا گرفت و «حسن البناء» بنیانگذار و رهبر جماعت «اخوان المسلمین» روز روشن در یکی از خیابان های قاهره ترور شد و با این حادثه دامنه هرج و مرج و خشونت گسترده تر شد.

نحاس پاشا

ملک فاروق

تلاش برای ائتلاف

در این هنگام، ملک فاروق که از توسعه هرج و مرج و ناآرامی ها بیمناک شده بود، به رغم تمایلات قلبی خویش از حزب «وفد» برای تشکیل یک دولت ائتلافی دعوت کرد.

دولت ائتلافی با همکاری «حزب وفد» تشکیل شد، لیکن بحران همچنان ادامه داشت و از ائتلاف احزاب نیز نتیجه ای حاصل نگردید.

انتخابات جدید و پیروزی حزب وفد

بدین ترتیب اوضاع بحرانی همچنان ادامه داشت تا موعد انتخابات فرا رسید.

در انتخابات جدید ژانویه ۱۹۵۰ (دی ۱۳۲۸ شمسی) پیروزی بزرگی نصیب حزب وفد شد. بدین ترتیب که «حزب وفد» از ۳۱۹ کرسی پارلمان ۲۲۸ کرسی را به دست آورد. در نتیجه این پیروزی «نحاس پاشا» ملک فاروق را مجبور کرد که ۱۷ سناتور انتصابی را بر کنار کند و اعضای حزب وفد را به جای آنها به نمایندگی منصوب نماید.

بدین ترتیب «احزاب وفد» در هردو مجلس شورا و سنا دارای اکثریت شد.

اوج گیری مبارزات - تقاضای تخلیه مصر

در این هنگام «حزب وفد» که اکثریت کرسی های مجلس شورا و سنا را در اختیار داشت با استفاده از موقعیت پیش آمده، تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۳۶ را مصمامنه در دستور کار خویش قرار داد و به دولت انگلستان اعلام کرد که نیروهای انگلیسی مستقر در کانال سوئز بی درنگ خاک مصر را ترک کنند.

دیگر اینکه: انگلستان به هیچ وجه در امور داخلی سودان مداخله نکند. در گزارش های پیشین نوشتیم که فرمانروایی سرزمین سودان را امپراتوری عثمانی به طور مادام العمر به «محمدعلی پاشا» بنیانگذار سلسله خدیوی و فرمانروایی مصر واگذار کرده بود. از این رو سودان جزیی از خاک مصر محسوب می شد.

بعد از تسلط نظامی انگلستان به سرزمین مصر این وضع مانند گذشته ادامه پیدا کرد و انگلستان مصر و سودان را یک مملکت واحد تلقی کرد اما همین که مصریان دم از استقلال کامل زدند انگلیسی ها برای آنکه نظارت بر سرچشمه های نیل را در اختیار داشته باشند حساب مصر و سودان را از هم جدا کردند و این مسأله همیشه مانع پیشرفت مذاکرات دو دولت بود زیرا مصریان، سودان را جزو جدانشدنی مصر می دانستند.

مذاکرات بی حاصل

مذاکرات مصر و انگلستان برای تخلیه خاک مصر و مسأله سودان در طول زمستان ۵۱ - ۱۹۵۰ (م.۱۳۲۸- ۱۳۲۹ هجری شمسی) بدون اینکه نتیجه ای حاصل شود ادامه یافت و چون دولت انگلستان از استقرار رژیم صهیونیستی در فلسطین حمایت می کرد، در نخستین جنگ اعراب واسرائیل، مصر بیش از سایر کشورهای عربی در انظار جهانیان خفیف شده بود.

دولت حزب وفد تصمیم گرفت که از آمد ورفت کشتی های نفتکش به مقصد اسرائیل به شدت جلوگیری کند و همچنین مقررات بسیار سختی را برای حمل و نقل کالا از آبراه سوئز به مورد اجرا گذاشت .

ناگفته نماند که در نوامبر ۱۹۴۷ (آبان ۱۳۲۶) مجمع عمومی سازمان ملل متحد فلسطین را به دو منطقه یهودی نشین و عرب نشین تقسیم کرد و در ۱۵ ماه می ۱۹۴۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷) با خروج آخرین سرباز انگلیسی از فلسطین، تشکیل کشور صهیونیستی اعلام شد و ارتش های عرب نیز مشتمل بر نیروهای مصری - اردنی - عراقی - سوری و لبنانی وارد فلسطین شدند و تا ۳۲ کیلومتری «تل آویو» پیش رفتند اما عدم هماهنگی و توطئه های دیگری که در گزارش های بعدی به تفصیل به آنها اشاره خواهد شد مانع از پیشرفت کار شد و با برقراری آتش بس نیروهای عرب تا اوایل ۱۹۴۹ (۱۳۲۸ شمسی) خاک فلسطین را ترک کردند و حاصل آن همه تلاش از دست دادن مقدار زیادی از اراضی متعلق به اعراب شد .

در این نبرد نیروهای مصری با وجود فداکاری های درخشان ، کاری از پیش نبردند، گفتنی است که نخست وزیر مصر به هنگام بروز بحران با مشارکت مصر در نبرد اعراب و اسرائیل موافق نبود اما ملک فاروق به خاطر رضایت افکار عمومی به رغم نظر دولت فرمان حمله به فلسطین را صادر کرد اما سرانجام ناسامان این اقدام دامنگیر مصر شد و این کشور که مدعی عنوان رهبری جهان عرب بود در انظار اعراب و جهانیان خفیف شد .

بهانه گیری های انگلستان

انگلیسی ها برای تخلیه نکردن خاک مصر بهانه هایی داشتند از جمله این که می گفتند: با توجه به مطامع اتحاد جماهیر شوروی و اوج گیری جنگ سرد در شرایطی که تمامی کشورهای آسیایی و اروپایی در معرض تهاجم کمونیزم هستند یک خودکشی به حساب می آید . اتفاقاً دولت آمریکا هم در آن زمان معتقد بود که بهترین پایگاه جهان آزاد برای حفاظت یونان - ترکیه - عراق و ایران در برابر خطر کمونیزم خاک مصر است .

بدین ترتیب تخلیه خاک مصر تنها مربوط به مصر و انگلستان نمی شد بلکه پای آمریکا هم در میان بود که می خواست کشور مصر پایگاهی برای مبارزه با زیاده خواهی های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مشرق زمین باشد .

آنچه در این میان به گسترش بحران کمک می کرد احساسات ضد غربی مردم مصر بود که به واسطه احساسات دوستانه آمریکاییان نسبت به اسرائیل هر روز بیشتر و گسترده تر می شد .

به دنبال این وقایع و تحت تأثیر افکار عمومی مردم مصر ، وزیر امور خارجه آن کشور در ۲۱ ماه ژوئیه ۱۹۵۰ (۱ بهمن ۱۳۲۸) در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که :

«مصر در درگیری های نظامی آینده بی طرف باقی خواهد ماند . در پی آن پارلمان مصر نیز اعلام نمود که هر گاه جنگی تازه آغاز شود مصر بی طرف خواهد ماند و قرارداد ۱۹۳۶ خود با انگلستان را یک طرفه لغو خواهد نمود ، تصمیم دولت مصر در شرایطی که آمریکا و انگلستان برای مقابله با زیاده خواهی های استالین مشغول یارگیری بودند مسأله بسیار خطرناکی به نظر می رسید.

مصر و ایران در مبارزه با انگلستان

در آن موقعیت بحرانی مبارزات ضد انگلیسی مصریان با زمامداری دکتر محمد مصدق و بروز بحران نفت در ایران شدت یافت و نحاس پاشا نخست وزیر آن کشور در ۸ اکتبر ۱۹۵۱ (۹ بهمن ۱۳۲۹ شمسی) با تقدیم لایحه ای به مجلس و تصویب آن در پارلمان مصر ، قرارداد سال ۱۹۳۶ مصر وانگلستان یک طرفه لغو شد.

اخراج فوری قوای انگلیس از مصر ، الحاق سودان به مصر و اعلام ملک فاروق به عنوان سلطان مصر و سودان از مهمترین موارد این لایحه بود .

در سراسر مصر آشوب و اغتشاشات از سر گرفته شد و دولت انگلستان بلافاصله تصویب لایحه فوق را مخالف قانون دانست و در منطقه کانال سوئز بر تعداد نیروهای نظامی خود افزود . دین آچسن وزیر امور خارجه آمریکا نیز به طرفداری از انگلستان از دولت مصر به صراحت انتقاد کرد و در اعلامیه خود خاطرنشان کرد که مصر به تعهدات بین المللی خود پایبند نمی باشد .

مقدمات انقلاب مصر

لئویک جانبه قرارداد ۱۹۳۶ از سوی پارلمان مصر و مخالفت انگلیس و آمریکا با این اقدام شورش مردم مصر را به دنبال داشت و به درگیری شدید نیروهای مصری و انگلیسی منتهی شد.

علاوه بر تبادل آتش و درگیری های نظامیان دوطرف ، ماجرا جویان نیز با سلاح سرد به سراغ سربازان انگلیسی رفتند و عکس العمل های انتقام جویانه انگلیسی ها گسترش بیش از پیش بحران را در پی داشت .

وقایع خونین اسماعیلیه

در روز ۱۹ ژانویه ۱۹۵۲ (۲۸ دی ۱۳۳۰) در اسماعیلیه که از شهرهای مهم مصر و کانال بود شورش عمومی و زد و خوردهای دسته جمعی آغاز شد که شش روز تمام ادامه داشت .

در پایان آن شش روز خونین نیروهای انگلیسی شهر را دوباره اشغال کردند و پلیس محلی مصری ها را که در درگیری های ۶ روز ۶۴ کشته داده بودند از شهر اخراج کردند .

شورش های خیابانی قاهره

به دنبال وقایع اسماعیلیه امواج ناآرامی ها به خیابان های قاهره رسید و مردم شورشی که از سوی کمونیست ها و سوسیالیستها تحریک می شدند ۷۰۰ ساختمان متعلق به مصری ها و خارجی ها را آتش زدند و بسیاری از بانک ها و هتل ها و کلوپ ها ویران گردید و این شورش ها ۲۶ کشته و ۵۵۲ زخمی بر جای گذاشت .

توضیح این که سفر دکتر مصدق به مصر وتجلیل فوق العاده مردم مصر از نخست وزیر ایران سه ماه پیش از وقایع اسکندریه یعنی در ماه نوامبر ۱۹۵۱ (آبان ۱۳۳۰) صورت گرفت و این سفر در تحریک احساسات آزادی خواهان تأثیر فراوان داشت.

سقوط کابینه وفد

در وقایع خونین قاهره پلیس و قوای نظامی دیرهنگام وارد عمل شدند و خیابان ها زمانی به اشغال نیروهای نظامی درآمد که شور انقلابی مردم فروکش کرده بود و برای فاروق و رجال و دولتمردان معروف خارجی ها وقایع روز ۲۶ ژانویه ترسناک و بسیار تکان دهنده بود. فردای آن روز فاروق کابینه نحاس پاشا را از کار بر کنار کرد و علی ماهر پاشا ، نخست وزیر جدید رویاروی پارلمانی قرار گرفت که اکثراً وفدی ها بودند.

در ۲۹ مارس همان سال ۱۹۲۵ (۹ فروردین ۱۳۳۱) با انحلال پارلمان مصر شکاف سیاسی بزرگ تری پدید آمد که سقوط خاندان محمدعلی پاشا و پایان کار احزاب مصر را به دنبال داشت.